



## از تبار آفتاب

■ قیصر امین پور

اشاره:

سنگ ناله می‌کند، رود رود بی‌قرار  
 کوه گریه می‌کند، آبشار آبشار  
 آه سرد می‌کشد، باد، باد داغدار  
 خاک می‌زند به سر آسمان سوگوار  
 سرو از کمر خمید، لاله واژگون دمید  
 برگ و بار باغ ریخت، سبز سبز در بهار  
 ذره ذره آب شد، التهاب آفتاب  
 غرق پیچ و تاب شد، جست‌وجوی جویبار  
 بر لبش ترانه آب، از گدازه‌های درد  
 در دلش غمی مذاب، صخره صخره کوهوار  
 از سلاله سحاب از تبار آفتاب  
 آتش زبان او ذوالفقار آبدار  
 باورم نمی‌شود که کسی شنیده است  
 زیر خاک گم شوند قلعه‌های استوار  
 بی‌تو گر دمی زخم، هر دمی هزار غم  
 روی شانه دلم هر غمی هزار بار  
 هر چه شعر گل کنم گوشه جمال تو!  
 هر چه نثر بشکفم پیش پای تو نثار!

